

Analyzing, Prioritizing and Modeling Political Capital Prerequisites Using a Mixed Approach

Mahdieh Vishlaghi

Corresponding Author, Ph.D. candidate, Department of Public Administration. Faculty of Economics, Management and Administrative Sciences, Semnan University, Iran.

m_vishlaghi@semnan.ac.ir

Fattah Sharifzadeh

Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. sharifzadeh@atu.ac.ir

Abstract

Despite the fact that political capital is very important in countries that are based on democracy, Currently due to the lack of attention to political capital, the political trust of citizens in government officials has decreased. Low political capital leads to a decrease in citizen participation and political awareness and a decrease in trust in government officials. Therefore, it is necessary to design the prerequisites of political capital and prioritize these factors, the necessary investment to realize and promote political capital to increase the citizens' trust and conscious participation in those in charge. The existence of a democratic state requires the conscious participation of citizens, which leads to the realization of political capital. The aim of the present study is to analyze, prioritize and present the model of political capital prerequisites. This study from the perspective of goal is practical, and of nature and the method is applied-descriptive and is among mixed studies. In the qualitative section, 11 professors of management and political science through semi-structured interviews, and in the quantitative section, 21 political experts and government officials through paired comparison questionnaires have participated in this study. For coding data Atlas.ti software and prioritizing answers fuzzy Delphi method has been used. The findings of the study show that the domination of interactive culture over the society, decreasing of power distance, increasing of

citizen's social freedom, and political transparency are the most important factors in creating political capital. The results of the study inform officials and political decision-makers about the importance of political capital and provide the basis for increasing the political trust of citizens by strengthening the incentives of political capital.

Keywords: democracy, political participation, political capital, fuzzy Delphi



واکاوی، اولویت‌بندی و ارائه الگوی پیشایندهای سرمایه سیاسی با استفاده از رویکرد آمیخته^۱

مهديه ويشلقی

نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران m_vishlaghi@semnan.ac.ir

فتاح شریفزاده

استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران sharifzadeh@atu.ac.ir

چکیده

علی‌رغم اینکه سرمایه سیاسی در کشورهایی که بر پایه دموکراسی بنا شده‌اند، اهمیت بسیار زیادی دارد، اما در حال حاضر به دلیل عدم توجه به سرمایه سیاسی، اعتماد سیاسی شهروندان نسبت به متصدیان دولتی کاهش یافته است. پایین بودن سرمایه سیاسی منجر به کاهش مشارکت و آگاهی سیاسی شهروندان و کاهش اعتماد نسبت به متصدیان دولتی می‌شود. بنابراین ضروری است با طراحی الگوی پیشایندهای سرمایه سیاسی و اولویت‌بندی این عوامل، سرمایه‌گذاری لازم جهت تحقق و ارتقای سرمایه سیاسی انجام شود تا اعتماد و مشارکت آگاهانه شهروندان نسبت به متصدیان افزایش یابد. لازم‌ه وجود دولتی مردم‌سالار، مشارکت آگاهانه شهروندان است که منجر به تحقق سرمایه سیاسی می‌شود. هدف پژوهش حاضر، واکاوی، اولویت‌بندی و ارائه الگوی پیشایندهای سرمایه سیاسی است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی – پیمایشی و در زمره پژوهش‌های آمیخته است. در بخش کیفی ۱۱ نفر از اساتید رشته مدیریت و علوم سیاسی با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و در بخش کمی، ۲۱ نفر از خبرگان سیاسی و صاحب‌منصبان دولتی با استفاده از پرسش‌نامه مقایسه زوجی مشارکت داشتند. برای کدگذاری داده‌ها از نرم‌افزار Atlas.ti و برای اولویت‌بندی پاسخ‌ها از فن دلفی‌فازی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که فرهنگ تعامل‌جو حاکم بر جامعه، کاهش نابرابری قدرت، افزایش استقلال اجتماعی شهروندان و افزایش شفافیت سیاسی مهم‌ترین عوامل به وجودآورنده سرمایه سیاسی هستند. نتایج پژوهش،

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

صاحب‌منصبان و تصمیم‌گیرندگان سیاسی را از اهمیت سرمایه سیاسی آگاه کرده و زمینه افزایش اعتماد سیاسی شهروندان را با استفاده از تقویت پیشران‌های سرمایه سیاسی فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: مردم‌سالاری، مشارکت سیاسی، سرمایه سیاسی، دلفی‌فازی

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۴/۲۳ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۲۰

فصلنامه راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۶۷-۲۹۸



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

نظام‌های سیاسی برپایه اراده مردم و اعتماد عمومی استوار هستند و اقتدار و استمرار آنها به مشارکت و دخالت‌های مردم وابسته است. در جوامع مدرن، این مشارکت در قالب احزاب سیاسی و نهادهای اجتماعی نمود می‌یابد و هدایت می‌شود (Wessels, 2018). مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی از مباحث مهمی است که امروزه باید مورد توجه قرار گیرد. مشارکت، فرایندی یکپارچه، چندبعدی و اجتماعی است که با هدف جلب شهروندان به ایفای نقش در همه مراحل توسعه کشور انجام می‌گیرد (Boulianne, 2018). امروزه مشارکت سیاسی شهروندان یکی از انکارناپذیرترین ضرورت‌های نظام سیاسی در قرن بیست و یکم است. مشارکت سیاسی و نهادینه کردن آن جزو اصلی‌ترین شاخص‌های توسعه-یافتگی سیاسی در جوامع است (Kitschelt & Rehm, 2017). مشارکت سیاسی، فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است. از مهم‌ترین عواملی که می‌توانند در مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان، تاثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشند، فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه است (Kim, 2018). جامعه‌ای که دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی باشد، شهروندان به صورت گسترده در مسائل اجتماعی و سیاسی حضور می‌یابند. درجه آگاهی اجتماعی و سیاسی شهروندان با کیفیت و میزان جریان اطلاعات، سهولت دسترسی به اطلاعات و اعتماد عمومی به منبع اطلاعات، رابطه مثبت و مستقیمی دارد. حکومت در تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به پیش‌زمینه‌های آگاهی بستگی دارد (Goren, 2012). عقاید و هویت سیاسی افراد در

اعمال سیاسی آنها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. همچنین باید انگیزه لازم برای مشارکت در شهروندان تقویت شود تا آزادانه بتوانند در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی شرکت کنند (Bertrand, 2020). مشارکت مردمی مناسب‌ترین و مؤثرترین پشتوانه برای حل و فصل بحران‌ها و معضلات سیاسی - اجتماعی و امنیتی است. هر دولتی که بتواند میزان همدلی و همکاری توده‌های مردمی را در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و دفاع از حکومت و کشور در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی، افزایش دهد، می‌تواند در جامعه بین‌المللی از اعتبار و موقعیت بالایی برخوردار شود (Kim, 2018). مردم‌سالاری برآیند مشروعیت و مشارکت مردمی، مبتنی بر قوانین و به‌صورت کاملاً کنترل‌شده و تحت نظارت مراجع قانونی و دربردارنده تنوعات سیاسی است (Siegel, 2007). با این حال مردم‌سالاری فقط از طریق مشارکت مردمی تحقق نمی‌یابد؛ پیش‌شرط‌هایی جهت تحقق مردم‌سالاری وجود دارد که فراتر از مشارکت عموم شهروندان است که نیازمند دید مثبت و آزادانه شهروندان در بیان و اظهار عقاید سیاسی است (Son, Kocabasoglu-hillmer, 2016) & Roden. تحقق دولتی مردم‌سالار و دموکراتیک نیازمند مشارکت آگاهانه و سازمان‌یافته شهروندان است. مشارکت و آگاهی شهروندان نشان‌دهنده مفهوم سرمایه سیاسی است (Booth & Richard, 2012). سرمایه سیاسی در نظریه سیاسی به‌منظور مفهوم‌سازی انباشت قدرت از طریق اعتماد، روابط مناسب و حسن‌نیت، نفوذ بین سیاستمداران و احزاب و ذی‌نفعان ایجاد می‌شود (Kjaer, 2013). سرمایه سیاسی به‌منظور تحقق اهداف سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Schugurensky, 2000)، همچنین غالباً به مفهوم سرمایه‌گذاری شهروندان در امور دولتی و سیاسی است (Lopez, 2002).

باتوجه به پژوهشی که توسط سبکتگین‌ریزی و همکاران در سال ۱۳۹۵ بر رضایت و مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان کرج انجام شده است، بدین نتیجه رسیده‌اند که مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان در سطح متوسط رو به پایین قرار دارد. ۴۷/۳ درصد از افراد مشارکت متوسط و ۲۵/۳ درصد از افراد مشارکت پایینی دارند. (سبکتگین‌ریزی، روهنده، بساطین، & جعفری، ۱۳۹۵) همچنین

نظری و همکاران در سال ۱۳۹۲ به بررسی تاثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی پرداخته‌اند و ۴۴ درصد از پاسخگویان بیان کرده‌اند که به رسانه‌های جمعی اعتماد متوسط به پایینی دارند. همچنین ۳۳ درصد از پاسخ‌دهندگان بیان کرده‌اند که به افراد سیاسی اعتماد کمتری دارند (نظری، بشیری گیوی، & جنتی، ۱۳۹۲).

بنابراین برطبق پژوهش‌های متعددی که در زمینه مشارکت و آگاهی سیاسی، همچنین اعتماد عمومی انجام شده است، نتایج حاکی از پایین بودن میزان مشارکت سیاسی و آگاهی سیاسی شهروندان و اعتماد نسبت به متصدیان دولتی و رسانه‌های جمعی است. نوآوری پژوهش حاضر در این است که مدیران و تصمیم‌گیرندگان کلیدی دولت را از اهمیت افزایش آگاهی‌های عمومی و سیاسی شهروندان آگاه کرده و دولتمردان و متصدیان حکومتی را در راستای افزایش سرمایه سیاسی یاری می‌رساند. مدیران و تصمیم‌گیرندگان کلیدی دولتی بایستی با ارائه اطلاعات شفاف و آزادانه به شهروندان، سبب افزایش انگیزه شهروندان در مشارکت سیاسی شوند که موجب افزایش اعتماد عمومی نسبت به دولت و متصدیان دولتی و فعالیت‌های سیاسی و مشارکت سیاسی شهروندان در امور سیاسی دولتی می‌شود و بدین طریق سرمایه سیاسی دولت را ارتقا بخشند. همچنین باتوجه به این نکته که پژوهش قابل‌ملاحظه‌ای در بررسی اولویت‌بندی پیشران‌های سرمایه سیاسی انجام نشده‌است، می‌توان با اولویت‌بندی کردن پیشایندهای سرمایه سیاسی، مهم‌ترین عوامل شناسایی و بیشترین سرمایه‌گذاری را براساس اولویت‌بندی اعمال کرد تا سرمایه سیاسی تقویت شود. باتوجه به این موارد، هدف پژوهش، شناسایی و اولویت‌بندی پیشایندهای سرمایه سیاسی با استفاده از رویکرد دلفی فازی است.

۱. پیشینه پژوهش

مفهوم سرمایه سیاسی برای اولین بار در سال ۱۹۶۱ توسط دانشمند سیاسی آمریکایی «ادروارد سی بانفیلد» در کتاب «نفوذ سیاسی» بیان شده است (Banfield, 1961). بورديو در سال ۱۹۹۱ در کتاب خود «زبان و قدرت نمادین» نظریه‌های سرمایه سیاسی را به‌عنوان محبوب‌ترین نظریه، عنوان کرده است. برطبق دیدگاه بورديو سرمایه سیاسی، قدرت و نفوذ سیاسی می‌باشد، قدرتی که از اعتماد گروهی

از پیروان به سیاستمداران نشأت گرفته است (Ocasio, Pozner, & Milner, 2020). با کاهش یا افزایش اعتماد، سرمایه سیاسی سیاستمداران نیز تغییر می‌یابد (Schugurensky, 2000). بنابراین سرمایه سیاسی هریک از سیاستمداران بستگی به اعتماد و حمایت طرفداران و پیروان‌شان دارد (Benit-Gbaffou & Katsaura, 2014). سرمایه سیاسی حاصل تلاقی سه دارایی اساسی است: نخست سرمایه اجتماعی^۱، دوم سرمایه فکری^۲ و سوم سرمایه روان‌شناختی است. این‌گونه از عوامل می‌توانند مشارکت شهروندان را بهبود بخشیده و در این راستا دانش سیاسی شهروندان ارتقا خواهد یافت. (Ocasio, Pozner, & Milner, 2020)

سرمایه سیاسی در سه سطح فردی، سازمانی و اجتماعی مطرح می‌باشد: در سطح فردی، سرمایه سیاسی فقط متعلق به صاحب‌منصبان دولتی است (Blumentritt & Rehbein, 2007). بورديو (۲۰۰۰)، سرمایه سیاسی را معادل قدرت سیاسی دانسته و بیان کرده است، قدرتی که از اعتماد پیروان به سیاستمداران ناشی می‌شود و بسیاری از تحلیل‌گران می‌خواهند این نوع از قدرت سیاسی را به‌عنوان محبوبیت رهبران و سیاستمداران مدنظر قرار دهند (Schugurensky, 2000). سطح فردی از سرمایه سیاسی شامل دو بعد سرمایه نمایندگی و سرمایه خوش‌نامی است. در سطح سازمانی، سرمایه سیاسی به توانایی سازمان در تاثیرگذاری بر سیاست‌های دولتی و مدیریت تعاملات خود از طریق فعالیت‌های سیاسی با دولت اشاره دارد. (Shaffer & Hillman, 2000) در سطح اجتماعی، سرمایه سیاسی شامل تمام شهروندان جامعه می‌شود. در این سطح مشارکت سیاسی سازمان‌یافته شهروندان در عرصه‌های سیاسی مدنظر بوده و منجر به بهینه‌سازی مردم‌سالاری می‌شود و شهروندان را به نظام سیاسی پیوند می‌دهد. (Sorensen & Torfing, 2003) بورديو ضمن اشاره به مفهوم سرمایه سیاسی در کنار سرمایه نمادین در فضای اجتماعی بیان کرده است که کنشگران سیاسی به‌وسیله راهبردهای سیاسی به‌دنبال کسب موقعیت‌های فرادست هستند. آنها در تلاشند تا ابزارهای مشروع جهت

1. Social capital

2. Intellectual capital

دست‌کاری جامعه اجتماعی را در دست خود گرفته و در انحصار خود داشته باشند. در سال ۱۹۷۷ به تمایز سرمایه سیاسی با سرمایه اجتماعی پرداخته شده است (Magno, 2000). با وجود اینکه سرمایه اجتماعی و سیاسی با هم شباهت‌هایی دارند اما از لحاظ مفهوم متفاوتند؛ سرمایه اجتماعی شبکه‌ای از روابط اجتماعی مستحکم مبتنی بر اعتماد و کارگروهي و اقدام است (Peng, Tu, & Wei, 2018)، همچنین نظریه سرمایه اجتماعی شبکه‌های روابط مبتنی بر اعتماد مابین کارکنان را نشان می‌دهد و رفتار مشارکتی و تعاونی را تسهیل می‌کند (Sun, Hu, & Hillman, 2016) و پیامد سرمایه اجتماعی، اعتماد می‌باشد (Xu, 2013). درحالی که سرمایه سیاسی شامل رفتارها و نگرش‌های شهروندان بوده که دولت، سیستم سیاسی، صاحب‌منصبان دولتی و شهروندان را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد (Tedeschi, 2017) و پیامد سرمایه سیاسی، مشروعیت است. برخلاف سایر سرمایه‌ها که کالایی خصوصی هستند، سرمایه اجتماعی، کالایی عمومی است (Birner & Wittmer, 2000).

در تئوری‌های سیاسی، روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری سرمایه سیاسی به‌عنوان راهی برای تجزیه و تحلیل و کشف تاثیر آن بر سیاست‌های محلی، منطقه‌ای، ایالتی، ملی و بین‌المللی بیان شده‌است (Casey, 2008). سرمایه سیاسی گاه از لحاظ عینی‌سازی و به‌کاربردن اشکال مشخص در مفهوم انتزاعی تئوریزه می‌شود. برخی نظریه‌پردازان مواردی همچون تعداد آراء، شهروندان حاضر در گردهمایی‌ها و راهپیمایی‌ها و نظرسنجی افکار عمومی را به‌عنوان عناصر قابل اندازه‌گیری سرمایه سیاسی معرفی کرده‌اند. (French, 2011) برقراری ارتباط با دولت و فعالیت‌های سیاسی، نگرش‌های مثبتی در جهت تقویت سرمایه سیاسی ایجاد می‌کند (Booth & Richard, 2012). برطبق دیدگاه آنکر اسمیت^۱ (۱۹۹۵)، قدرت از تصمیم شهروندان ناشی می‌شود و اجازه می‌دهد که این قدرت بین نمایندگان و شهروندان تقسیم شود، قدرت سیاسی یک پدیده شبه‌طبیعی است و هیچ‌کدام از طرفین (شهروندان و صاحب‌منصبان) نمی‌توانند ادعایی درقبال این قدرت و سرمایه سیاسی داشته باشند، سرمایه سیاسی پدیده‌ای است که روابط بین

افراد را مشخص کرده و قابل مقایسه می‌باشد (French, 2011). سرمایه سیاسی محدود بوده و به دلیل اینکه محصول قضاوت مابین شهروندان و بازیگران سیاسی است، نامشهود می‌باشد و ذاتا ناپایدار است (Bourdieu, 1981). تمرکز بر سرمایه سیاسی، رشته‌ای از پاسخگویی را شکل می‌دهد و همان‌گونه که اوربیناتی آن را قدرت نرم قضاوت نامیده است (Urbinati, 2008).

سرمایه سیاسی به صورت مستقیم بر خط‌مشی‌های موجود تاثیر می‌گذارد و شامل منابعی است که کنشگر می‌تواند آنها را کنترل و استفاده کند تا بر فرایند خط‌مشی تاثیر گذاشته و منجر به خروجی‌هایی شود که در جهت منافع کنشگر هستند (عبادی، پیران نژاد، & قلی پور، ۱۳۹۳). منابع ایدئولوژیکی، سواد سیاسی و حقوق مدنی و سیاسی از جمله این منابع هستند (Geetha & Indira, 2010). برطبق دیدگاه سورنسن و تورفینگ (۲۰۰۳)، سرمایه سیاسی که با توانایی و مهارت سیاسی کنشگران برای مشارکت کردن در تصمیم‌گیری در ارتباط می‌باشد شامل سه جزء است که عبارتند از:

- میزان دسترسی به فرایند و چگونگی تصمیم‌گیری‌ها
 - میزان توانایی و قابلیت‌های افراد که بتوانند در این فرایندها تفاوت ایجاد کنند
 - بینش افراد به عنوان کنشگران سیاسی (هویت سیاسی)
- (Sorensen & Torfing, 2003)

نگرش شهروندان بر سرمایه سیاسی موثر بوده و این نگرش نسبت به سیاست‌ها و خط‌مشی‌های سیستم سیاسی و صاحب‌منصبان دولتی است که تبیین‌کننده میزان اعتماد سیاسی شهروندان به صاحب‌منصبان و خط‌مشی‌های تعیین شده است (Kjaer, 2013). خط‌مشی‌های اجتماعی و سیاسی به اندازه خط‌مشی‌های اقتصادی مهم هستند و باید درکنار مسائل اقتصادی، به نیاز شهروندان در قبال شفافیت سیاسی، مشارکت سیاسی و پاسخگوبودن صاحب‌منصبان نسبت به مسئولیت‌های خود، توجه شود (Keele, 2007). در این میان کارآمدی سیاسی و علاقه سیاسی جزو عواملی است که می‌تواند انگیزش شهروندان در مشارکت سیاسی را افزایش داده یا مانع از آن شود (Sandovic, 2005). شهروندان زمانی که

احساس کنند، می‌توانند مسائل سیاسی و خط‌مشی‌های سیاسی را درک و در امور سیاسی مشارکت کنند و می‌توانند امور دولتی و خط‌مشی‌های دولتی را تحت‌تاثیر قرار دهند، انگیزه می‌گیرند تا اطلاعات سیاسی خود را افزایش دهند (Pantoja, 2001). مشارکت بیشتر شهروندان در فعالیتهای مدنی منجر می‌شود، آنان باور داشته‌باشند که می‌توانند بر فرایندهای سیاسی تاثیر گذاشته و آنها را کنترل کنند (Smrek, 2020). درمقابل، مشارکت پایین شهروندان منجر می‌شود، احساس کنند که فاقد نفوذ سیاسی هستند و قدرتی در ابراز نظرات و به چالش کشیدن امور سیاسی ندارند (Bertrand, Bombardini, Fisman, & Trebbi, 2020). جامعه‌پذیری سیاسی و دموکراتیک شهروندان یکی دیگر از عواملی است که بر سرمایه سیاسی تاثیر می‌گذارد. جامعه‌پذیری سیاسی شامل یادگیری درمورد روابط اجتماعی، قدرت روابط در جامعه است که چارچوبی برای درک ریشه‌های جهت‌گیری سیاسی ارائه می‌دهد (طالاری & موسوی شفقانی, ۱۳۹۴). همچنین مشارکت و عضویت در گروه‌ها و شبکه‌های سازمانی سبب افزایش مهارت‌های مشارکتی شده و می‌تواند آنها را به امور سیاسی ترغیب کند و به‌وسیله بحث و گفتگو و مشورت‌های سیاسی در داخل گروه‌ها، سرمایه سیاسی تحت‌تاثیر قرار گیرد (Benit-Gbaffou & Katsaura, 2014). رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی نیز دراین‌راستا نقش تعیین‌کننده‌ای برعهده دارند و به‌وسیله افزایش دانش و آگاهی شهروندان می‌توانند باعث افزایش مشارکت سیاسی شهروندان شوند (محمدی فر & کاظمی, ۱۳۹۹).

نتایج پژوهش‌های صورت‌گرفته درخصوص سرمایه سیاسی به شرح جدول

۱ است:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	مطالعات انجام شده	عنوان پژوهش	نتایج
۱	(Smrek, 2020)	دسترسی به سرمایه سیاسی با توجه به جنسیت افراد (درس‌هایی از	هدف پژوهش مقایسه میزان دسترسی به لایحه و قانون‌گذاری در میان نمایندگان زن و مرد بود که با استفاده از یک مجموعه داده اصلی با کلیه نمایندگان پارلمان چک طی سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۷ انجام شده بود، به بررسی و تحلیل پرداختند و دریافتند که قانون‌گذاران زن نسبت

		<p>به قانون گذاران مرد از دسترسی محدودتری به امور قانونی و ارزشی که به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد سرمایه سیاسی بالا مورد نیاز است، روبرو هستند.</p>	<p>پارلمان (چک)</p>
۲	<p>Ocasio, Pozner, & Milner, 2020)</p> <p>انواع سرمایه سیاسی و قدرت در سازمان‌ها</p>	<p>باتوجه به مفهوم سرمایه که بورديو مورد بررسی قرار داده و شروع به ارائه مطالب مفیدی در مورد سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادی کرده است اما این تحقیقات ناکافی است بنابراین او کاسیو دید بورديو را مورد اصلاح و گسترش قرار داده است که دانش، اعتبار و سرمایه نهادی را به عنوان انواع متمایز در سرمایه سیاسی مطرح کرده است. سرمایه و قدرت سیاسی از طریق دیدگاه و نگرش افراد به صاحب-منصبان شکل گرفته و باعث مشروعیت بخشی به صاحب منصبان و قدرت آنها در سازمان‌ها و جامعه می‌شود.</p>	
۳	<p>(Gratton, Holden, & Lee, 2019)</p> <p>سرمایه سیاسی</p>	<p>رهبران سازمان‌ها متناسب با ساختار و فرهنگ حاکم بر آن دارای سبک‌های متفاوتی هستند. سبک‌های رهبران بر میزان قدرت و سرمایه سیاسی تاثیر قابل ملاحظه‌ای داشته است. سبک رهبری رهبران سازمان‌ها دید کارکنان و ذی‌نفعان سازمانی را نسبت به سازمان و صاحب‌منصبان تغییر می‌دهد. همچنین اطلاع‌رسانی و آگاهی بیشتر سبب افزایش قدرت سیاسی می‌شود.</p>	
۴	<p>(Alcantara-sacz, 2017)</p> <p>مسیر شغلی سیاسی و سرمایه سیاسی</p>	<p>باتوجه به اینکه سرمایه سیاسی توسط سیاستمداران ایجاد می‌شود و بر اساس دیدگاه افراد، قدرت سیاسی سیاستمداران شکل می‌گیرد بنابراین سیاستمداران از طریق فرایندهای انتخابی و توسط افراد انتخاب می‌شوند. سیاستمداران دارای حرفه‌های سیاسی بوده و باید مسیر سیاسی موجود را درک کنند و از طریق حرفه و مسیر سیاسی منجر به افزایش سرمایه سیاسی شوند.</p>	
۵	<p>(Xu, 2013)</p> <p>منابع اخلاقی، سرمایه سیاسی و توسعه اجتماعی</p>	<p>سرمایه سیاسی نوعی از سرمایه است که می‌تواند وضعیت، داشته‌ها و دسترسی افراد به سیستم سیاسی موجود را ارتقا بخشد. سرمایه سیاسی دو نوع است: سرمایه سیاسی منصوب و سرمایه سیاسی کسب شده. در سرمایه سیاسی منصوب شده، سرمایه سیاسی به مثابه قدرت از طریق وراثت به فرد یا گروهی از افراد انتقال می‌یابد اما در سرمایه سیاسی کسب شده به وضعیت سیاسی پیچیده‌تری گفته می‌شود که افراد یا سازمان‌ها با تلاش و سخت‌کوشی به دست می‌آورند. موفقیت موسسات و سازمان‌ها در به دست آوردن سرمایه سیاسی لزوماً به توسعه حرفه‌ای کمک نمی‌کند بلکه در این راستا باید بر ارزش‌های اصلی کار اجتماعی به عنوان منبع اخلاقی تاکید شود.</p>	
۶	<p>(Booth & Richard, 2012)</p> <p>سرمایه سیاسی و اجتماعی در دموکراسی‌های آمریکای لاتین</p>	<p>با استفاده از داده‌های نظرسنجی از هشت کشور آمریکای لاتین بیان کرده‌اند که مشارکت شهروندان در سال ۲۰۰۴ بر متغیرهای سرمایه سیاسی تاثیر گذاشته که به نوبه خود تاثیرات مثبت زیادی بر اقدامات دموکراسی در سال ۲۰۱۰ داشته است. سرمایه سیاسی به عنوان یک متغیر مداخله‌گر بین سرمایه اجتماعی و دموکراتیک‌سازی ایفای نقش می‌کند. سرمایه اجتماعی بر سرمایه سیاسی تاثیر می‌گذارد. شهروندان و مشارکت‌کنندگان جامعه مدنی را به سرمایه سیاسی پیوند می‌زند.</p>	
۷	<p>(French, 2011)</p> <p>سرمایه سیاسی</p>	<p>سرمایه سیاسی مفهومی از قدرت سیاسی بازیگران و صاحب‌منصبان دولتی است که توسط قضاوت‌ها و نگرش شهروندان شکل می‌گیرد، در این راستا رسانه‌ها نقش ویژه‌ای داشته و به سیاستمداران و نمایندگان در جذب قدرت سیاسی بیشتر کمک می‌کنند. در جوامع دموکراتیک وجود سرمایه سیاسی از اهمیت بالایی برخوردار است. سرمایه سیاسی به طور عمده توسط نظریه‌های سیاسی مورد توجه قرار نگرفته است. سرمایه سیاسی با ذخیره دارایی‌های نامشهود ایجاد شده و منجر به افزایش مشروعیت صاحبان قدرت می‌شود.</p>	
۸	<p>(Casey, 2008)</p> <p>تعاریف سرمایه سیاسی؛ بازیگری در تئوری قابلیت تبدیل پذیری بورديو</p>	<p>مفهوم سرمایه سیاسی (PC) و زمینه‌های موجود در سیاست‌های آمریکا مورد بررسی قرار گرفته و بیان کرده‌اند که سرمایه سیاسی کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و درک مبادلات سیاسی و روابط سیاسی بسیار مهم می‌باشد. انواع سرمایه در اشکال اقتصادی، اجتماعی و نمادین با یکدیگر تعامل دارند. هر کدام از اشکال سرمایه اساساً</p>	

<p>به‌طورخالص وجود ندارند و هر نوع سرمایه‌ای حاوی عناصری از سایر عناصر می‌باشد. همچنین بیان شده است که بورديو در تحقیقات خود چهار نوع از انواع سرمایه را مورد تأیید قرار داده و بیان کرده است: سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و نهایتاً سرمایه نمادین (مشروعیت) می‌باشد که در حقیقت بیان‌کننده سرمایه سیاسی است.</p>			
<p>در پژوهش خود ضمن اشاره به توانایی استفاده از قدرت در به دست آوردن حمایت اعضا و انتخاب‌کنندگان که منجر به مشروعیت‌بخشی می‌شود، این قدرت سبب افزایش سرمایه سیاسی رهبران جهان می‌شود. همچنین هاروی و نویسویک در پژوهش خود سرمایه سیاسی را به دو نوع سرمایه خوش‌نامی و نمایندگی تقسیم کرده‌اند. حمایت افراد منجر به شکل‌گیری قدرت و سرمایه سیاسی رهبران جهان می‌شود.</p>	<p>بررسی اهمیت مهارت و سرمایه سیاسی رهبران جهان</p>	<p>(Harvey & Novicevic, 2004)</p>	<p>۹</p>
<p>توانایی افراد در عمل سیاسی که از طریق مشارکت در فرآیندهای سیاسی و تعاملی به‌دست می‌آید و جامعه مدرن را به سیستم سیاسی قدرتمند تبدیل می‌کند، اشاره داشته و بیان کرده است توانمندی، منابع و هویت سیاسی به‌عنوان ابعاد سرمایه سیاسی مطرح هستند. میزان دسترسی و مشارکت افراد در تصمیم‌گیری‌ها و توانایی ایجاد تفاوت در فرآیندهای سیاسی می‌تواند منجر به افزایش سرمایه سیاسی شود. قدرت و سرمایه سیاسی از حمایت و مشارکت افراد به‌دست می‌آید. بنابراین لازم است زمینه مشارکت و حمایت فراهم شود و با استفاده از حکمرانی شبکه‌ای می‌توان سرمایه سیاسی را ارتقا بخشید.</p>	<p>بررسی تأثیر تغییر جهت از دموکراسی نمایندگی به سیاست‌های شبکه-ای بر میزان دموکراسی و سرمایه سیاسی</p>	<p>(Sorensen & Torfing, 2003)</p>	<p>۱۰</p>
<p>وجود اطلاعات جامع در مورد شیوه کار جوامع دموکرات، حقوق و وظایف شهروندان، چگونگی سازماندهی انتخابات و استفاده از رسانه‌ها می‌تواند منجر به افزایش دانش و اطلاعات شهروندان از سیاست‌های حاکم بر جامعه شود، همچنین فاصله کم میان شهروندان و صاحبان قدرت می‌تواند منجر به آزادی بیشتر شهروندان در مشارکت و حمایت از نظام سیاسی حاکم شود، براساس شناخت و باور به عملکرد درست افراد می‌توان به این افراد اعتبار بالایی اعطا کرد و بدین طریق براساس آن عاملان به یک فرد قدرت بیشتری اعطا می‌کنند.</p>	<p>بررسی تأثیر آموزش شهروندان بر توزیع مجدد قدرت تصمیم‌گیری تحقق دموکراسی</p>	<p>(Schugurensky, 2000)</p>	<p>۱۱</p>

باتوجه به مطالعات انجام‌شده سرمایه سیاسی از جمله مهم‌ترین عناصر برای تحقق مردم‌سالاری و مشارکت سیاسی شهروندان است و سرمایه سیاسی موجبات تحقق اعتماد سیاسی را فراهم می‌آورد. در جوامعی که برپایه دموکراسی پایه‌گذاری شده‌اند، مردم‌سالاری در سایه اعتماد، مشارکت و سرمایه سیاسی تحقق می‌یابد. دید مثبت شهروندان، افزایش آگاهی شهروندان از طریق شفافیت‌سازی و از طریق رسانه‌ها و عضویت در شبکه‌های سیاسی تحقق می‌یابد. بدین ترتیب تحقق سرمایه سیاسی در جوامع دموکراتیک لازم و ضروری است. درخصوص نتیجه‌گیری از پیشینه پژوهش نیز باید خاطر نشان کرد که این رویکرد کمتر موردتوجه قرار گرفته است و خلأ پژوهشی قابل‌ملاحظه‌ای در این حوزه مشاهده می‌شود. از این رو، پژوهش حاضر تلاش می‌کند پیشران‌های تحقق سرمایه سیاسی را مورد مطالعه قرار دهد.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر برپایه پژوهش آمیخته و به صورت کمی و کیفی و در هیافت قیاسی استقرایی است که از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی - پیمایشی است. از آنجا که پژوهش حاضر یک پژوهش آمیخته است، از این رو، باید روش‌شناسی پژوهش به تفکیک کیفی و کمی ارائه شود. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی متشکل از اساتید رشته‌های مدیریت و علوم سیاسی هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۱ نفر از آنان به عنوان اعضای نمونه انتخاب شده‌اند. تعیین حجم نمونه با استفاده از اصل اشباع نظری صورت گرفته است به نحوی که پس از انجام مصاحبه با نفرات هشتم و نهم دیگر عامل جدیدی شناسایی نشد و فرایند مصاحبه با نفر یازدهم به پایان رسید. ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است که روایی و پایایی آن به ترتیب با استفاده از ضریب CVR و آزمون کاپای - کوهن تأیید شد که اطلاعات مربوط به آن در جدول ۲ ارائه شده است. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی، سیاست‌گذاران و خبرگان سیاسی و صاحب‌منصبان دولتی هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس حجم نمونه ۲۱ نفر تعیین شده است. شایان ذکر است در این راستا ادراک صاحب‌منصبان از دیدگاه شهروندان نسبت به اعمال و فعالیت‌های آنها مورد سنجش قرار می‌گیرد، از آن جایی که خود صاحب‌منصبان جزئی از شهروندان در جامعه بوده و دیدگاه بهتری از ادراک شهروندان نسبت به مسائل اجتماعی و فضای حاکم دارند، مورد سنجش قرار گرفتند. همچنین ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کمی، پرسش‌نامه مقایسه زوجی است که روایی و پایایی آن به ترتیب با استفاده از روایی محتوا و آزمون مجدد تأیید شد. شایان ذکر است در روش دلفی‌فازی پرسش‌نامه‌ها دو بار و در دو مقطع زمانی متفاوت توزیع و جمع‌آوری می‌شود. از این رو، می‌توان از نرخ ناسازگاری و اختلاف میانگین فازی‌زدایی دو مرحله برای سنجش و بررسی پایایی استفاده کرد. بدین صورت که در این رویکرد با بررسی اختلاف میانگین فازی - زدایی و نرخ ناسازگاری، اگر این میزان از ۰/۱ کمتر باشد، می‌توان بیان داشت که

پرسش‌نامه از پایایی لازم برخوردار است و از آنجا که در پژوهش حاضر نرخ ناسازگاری و اختلاف میانگین فازی‌زدایی در دو مرحله برای پرسش‌نامه ۰/۱ کمتر است، می‌توان نتیجه گرفت که پرسش‌نامه نخست پایایی لازم دارد. در بخش کیفی پژوهش، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با استفاده از نرم‌افزار Atlas.ti و روش کدگذاری تحلیلی و پیش‌رانه‌های سرمایه سیاسی شناسایی شدند. همچنین در بخش کمی پژوهش، با استفاده از رویکرد دلفی‌فازی تعیین اولویت پیش‌رانه‌های سرمایه سیاسی انجام پذیرفت و مهم‌ترین عوامل موثر بر سرمایه سیاسی مشخص شد. در جدول ۲ مقدار روایی و پایایی پژوهش در بخش کیفی نشان داده شده است.

جدول ۲. روایی و پایایی پژوهش در بخش کیفی

پایایی		روایی	
مقدار	ابزار مورد استفاده	مقدار	ابزار مورد استفاده
۰/۷۱	کاپای - کوهن	۰/۴۸۱	CVR

۳. یافته‌های پژوهش

در جدول ۳ و ۴ یافته‌های مربوط به جمعیت‌شناختی نمونه ارائه شده است.

جدول ۳. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه در بخش کیفی

	استادیار	دانشیار	استاد
مرد	۴	۳	۲
زن	۱	۱	۰

جدول ۴. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه در بخش کمی

ردیف	جنسیت	تعداد	سن	تعداد	تحصیلات	تعداد
۱	مرد	۱۹	کمتر از ۴۵ سال	۵	کارشناسی ارشد	۳
۲	زن	۲	بالاتر از ۴۵ سال	۱۶	دکتری	۱۸

۳-۱. شناسایی پیش‌رانه‌های موثر بر سرمایه سیاسی

در پژوهش حاضر پیش‌رانه‌های سرمایه سیاسی از طریق تجزیه و تحلیل محتوای مصاحبه با خبرگان دانشگاهی به روش کیفی شناسایی شد. تحلیل محتوای کیفی

روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده به‌شمار می‌روند. در این رویکرد برخلاف رویکرد تحلیل محتوای کمی که مقوله‌ها و موضوعات بر اساس ارقام و اعداد و به‌وسیله روش‌های آماری گوناگون تولید می‌شوند، مقوله‌ها و موضوعات براساس توصیف و تفسیر از موضوع مورد مطالعه ارائه می‌شوند که منجر به حفظ اصالت به گونه ذهنی است که در قالب مقولات فرعی و اصلی ارائه می‌شود. برای این منظور متون مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار Atlas.ti و با روش کدگذاری زنده^۱ تجزیه و تحلیل شدند. روش کدگذاری زنده گونه‌ای از کدگذاری است که در متون روش‌شناختی به اسم‌های مختلفی همچون «کدگذاری تحت‌اللفظی»، «کدگذاری کلمه‌به‌کلمه»، «کدگذاری درونی» و «کدگذاری طبیعی» خوانده می‌شود. کدگذاری زنده به کلمه یا عبارتی کوتاه که در کلمات موجود در متن داده‌های مصاحبه وجود دارد، اشاره می‌کند. درحقیقت، کدگذاری زنده از تجمیع اصطلاحاتی که خود مشارکت‌کنندگان استفاده کرده‌اند، مقوله‌ها و مولفه‌ها به دست می‌آید (Saldana, 2015). مصاحبه‌های انجام‌شده با خبرگان دانشگاهی مشتمل بر شش سوال اصلی بود که پس از ارائه توضیحات مقدماتی توسط محقق به‌صورت انفرادی با هر مصاحبه‌شونده انجام شد. جدول ۵ نمونه‌ای از مصاحبه‌های انجام شده و کدهای استخراج شده را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نمونه متن مصاحبه‌ها و کدهای مستخرج

کد نهایی	کدهای اولیه	متن مصاحبه
نابرابری قدرت	جو استبدادی فاصله دولت و ملت شکاف سیاسی	در گذشته فرهنگ سیاسی حاکم، فرهنگ استبدادی بوده که منجر به ایجاد فاصله میان دولت و ملت بود. همیشه این شکاف سیاسی وجود داشت و زمانی که دولت ممکن بود براساس مصلحت مردم تصمیم بگیرد، مردم در برابر این تصمیمات موضع می‌گرفتند و فکر می‌کردند به ضررشان است زیرا فرهنگ استبدادی عاملی در جهت عدم اعتماد مردم به نظام می‌شد.
اتلافات سیاسی	استقلال احزاب شبکه و کانال‌های سیاسی آگاهی از طریق مشارکت NGO (سازمان‌های مردم نهاد)	درجه آزادی و استقلال احزاب هرچه بیشتر باشد قطعاً شبکه‌ها و کانال‌هایی ایجاد می‌شود که عموم مردم بتوانند اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی خود را ارتقا بخشند و با حضور در این کانال‌ها بتوانند از اطلاعات احزاب و صاحب‌منصبان استفاده کنند. NGOها می‌توانند از طریق برگزار کردن دوره‌های آموزشی مشارکت و آگاهی افراد را ارتقا بخشند.

عوامل و کدهای شناسایی شده در مصاحبه با خبرگان با استفاده از تحلیل محتوای کیفی در جدول ۶ بیان شده است.

جدول ۶. کدگذاری پیشایندهای سرمایه سیاسی

کدها	کدهای محوری	کدهای نهایی (پیشایندها)
S1	جو همکاری‌گرایانه اعتقاد به تعاملات اجتماعی تعاون و همیاری ارزش‌های مبتنی بر مشارکت	فرهنگ تعامل جو
S2	دید مردم نسبت به دولتمردان نگاه افراد به عملکرد دولت نظر افراد درباره متصدیان	نگرش شهروندان به دولت و متصدیان دولتی
S3	جو استبدادی فاصله دولت و ملت شکاف سیاسی تقلیل فاصله مابین دولت و ملت	نابرابری قدرت
S4	آزادی اندیشه آزادی بیان تسهیم ایده‌های شخصی بدون ترس آزادی مطبوعات و رسانه‌ها	افزایش استقلال اجتماعی
S5	احزاب سیاسی شبکه‌ها و کانال‌های سیاسی استقلال احزاب آگاهی از طریق مشارکت در گروه‌ها NGOها	ائتلافات سیاسی
S6	اطلاع‌رسانی شفاف شفافیت در رويه‌ها و مسیرها شفافیت نظام تصمیم‌گیری‌های سیاسی	افزایش شفافیت سیاسی
S7	عدم تعارض و تضاد کانال‌های ارتباطی موثر ایجاد درک مشترک به نتیجه رسیدن تعاملات	ارتباطات اثربخش
S8	نظارت بر عملکرد تعهد به انجام مسئولیت‌های سیاسی جوابگو بودن در برابر مسئولیت‌ها پایبندی به ارزش‌ها و انتظارات سیاسی	پاسخگویی سیاسی
S9	خودمحوری افراد ترجیحات افراد برتر پنداشتن خود از دیگران	خودتعیین‌گری شهروندان
S10	احساس توانایی انجام فعالیت‌های سیاسی توانایی افراد در انجام کنش‌های سیاسی خودکارآمدی شخصی حس مشارکت موثر در فعالیت‌های سیاسی	احساس اثربخشی سیاسی
S11	مشارکت حداکثری مردم در صحنه‌های سیاسی هتجارهای مردم‌سالارانه مردم‌سالاری مشارکتی	جامعه‌پذیری دموکراتیک

باتوجه به آنچه گفته شد در شکل ۱ پیشایندهای سرمایه سیاسی نشان داده شده است:



شکل ۱. مدل پیشایندهای سرمایه سیاسی

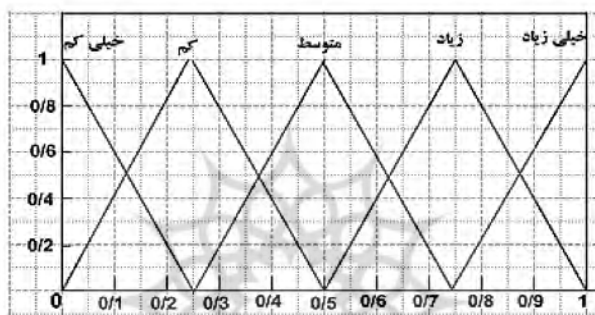
۳-۲. اولویت بندی عوامل با استفاده از رویکرد دلفی فازی

روش دلفی به منزله یک ابزار کارا برای تعیین موضوعات مهم و اولویت بندی توصیفی این عوامل در تصمیم های مدیریتی، مدنظر قرار می گیرد. این روش با هدف توسعه روشی برای کسب اتفاق نظر بین متخصصان انجام می شود. در سال ۱۹۸۵ در پی یکپارچه سازی روش دلفی سنتی و نظریه فازی برآمدند. ایشیکاوا و همکاران نیز کاربرد نظریه فازی را در روش دلفی توسعه دادند و الگوریتم یکپارچه سازی را معرفی کردند. پس از آنها، سو و یانگ عدد فازی مثلثی را برای پوشش دادن به آرای متخصصان و ایجاد روش دلفی فازی به کار بردند. در این پژوهش نیز از روش دلفی فازی استفاده شده است.

۳-۱. تعریف متغیرهای زبانی

بعد از انجام مصاحبه با خبرگان دانشگاهی و شناسایی پیشرانهای سرمایه سیاسی،

مولفه‌های مدنظر در قالب پرسش‌نامه طراحی شدند تا به نظر خبرگان در این راستا دست یابیم. خبرگان سیاسی و صاحب‌منصبان به وسیله متغیرهای کلامی خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم نظر خود را در مورد موافقت با مولفه‌های بیان شده اعلام کردند. به سبب اینکه هریک از افراد دارای خصوصیات متفاوتی هستند و تعابیر ذهنی متفاوتی نسبت به متغیرهای کیفی دارند فلذا با تعریف دامنه مولفه‌ها تلاش شد ذهنیت افراد را نسبت به سوالات یکسان کرد. متغیرهای زبانی در شکل ۲ به صورت اعداد فازی مثلثی بیان شده‌اند.



شکل ۲. تعاریف مولفه‌های زبانی

نحوه تبدیل مولفه‌های کلامی به اعداد فازی مثلثی و عدد فازی قطعی شده در جدول ۷ بیان شده است.

جدول ۷. جدول اعداد فازی مثلثی

متغیرهای کلامی	عدد فازی مثلثی	عدد فازی قطعی شده
خیلی زیاد	$(0.75, 1, 1)$	0.75
زیاد	$(0.5, 0.75, 1)$	0.5625
متوسط	$(0.25, 0.5, 0.75)$	0.3125
کم	$(0, 0.25, 0.5)$	0.0625
خیلی کم	$(0, 0, 0.25)$	0.0625

شایان ذکر است که اعداد فازی قطعی شده در جدول فوق با استفاده از رابطه مینکوسکی به شکل زیر محاسبه شدند. در این رابطه B حد بالای فازی مثلثی، a

حد وسط عدد فازی مثلثی و M حد پایین عدد فازی مثلثی را نشان می دهد.

$$X = m + \frac{B - a}{4}$$

۳-۲-۲. نظرسنجی مرحله نخست

در مرحله نخست مولفه‌هایی که در خلال مصاحبه شناسایی شدند، در قالب پرسش‌نامه‌ای جهت اولویت‌بندی عوامل در اختیار خبرگان سیاسی و صاحب-منصبان دولتی قرار داده شد و باتوجه به موارد مطرح شده برای به دست آوردن نتیجه حاصل از بررسی پاسخ‌های خبرگان در پرسش‌نامه‌ها اقدام به محاسبه میانگین فازی از طریق روابط زیر شد.

$$A_i = (a_1^{(i)}, a_2^{(i)}, a_3^{(i)}), i=1,2,3,\dots,n$$

$$A_{ave} = (m_1, m_2, m_3) = \left(\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_1^{(i)}, \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_2^{(i)}, \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_3^{(i)} \right)$$

در رابطه فوق A_i که نشان‌دهنده نظر خبره i ام و A_{ave} نشانگر میانگین دیدگاه‌های خبرگان است. پس از اینکه خبرگان به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند، پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری و مورد شمارش قرار گرفتند که در جدول ۸ نتایج شمارش پاسخ‌های داده شده به نظرسنجی مرحله اول ارائه شده است.

جدول ۸. پیشران‌های سرمایه سیاسی

متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
فرهنگ تعامل‌جو	۱۸	۲	۱	۰	۰
نگرش شهروندان به دولت و متصدیان دولتی	۱۶	۳	۲	۰	۰
کاهش نابرابری قدرت	۱۷	۳	۱	۰	۰
افزایش استقلال اجتماعی	۱۶	۴	۱	۰	۰
ائتلافات سیاسی	۱۵	۴	۱	۱	۰
شفافیت سیاسی	۱۷	۳	۱	۰	۰
ارتباطات اثربخش	۱۶	۲	۲	۱	۰
پاسخ‌گویی سیاسی	۱۶	۳	۲	۰	۰
خودتعیین‌گری شهروندان	۱۶	۲	۲	۱	۰
احساس اثربخشی سیاسی	۱۵	۳	۲	۱	۰
جامعه‌پذیری دموکراتیک	۱۴	۴	۳	۰	۰

پس از اینکه تعداد پاسخ‌های داده‌شده به هریک از عوامل مشخص شد و بعد از محاسبه میانگین فازی مثلثی برای عوامل از فرمول مینکوسکی و اعداد فازی قطعی شده برای محاسبه هر عامل استفاده می‌شود که در جدول ۹ نتایج حاصل از میانگین فازی و فازی‌زدایی مولفه‌ها نشان داده شده است.

جدول ۹. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی مرحله اول

متغیرها	میانگین فازی مثلثی (m,a,B)	فازی‌زدایی شده
فرهنگ تعامل‌جو	(۰/۷۰۲، ۰/۹۵۲، ۰/۹۸۸)	۰/۶۶۶
نگرش شهروندان به دولت	(۰/۶۶۶، ۰/۹۱۶، ۰/۹۷۶)	۰/۶۳۰
کاهش نابرابری قدرت	(۰/۶۹۰، ۰/۹۴۰، ۰/۹۸۸)	۰/۶۵۴
افزایش استقلال اجتماعی	(۰/۶۷۸، ۰/۹۲۸، ۰/۹۸۸)	۰/۶۴۲
ائتلافات سیاسی	(۰/۶۴۲، ۰/۸۹۲، ۰/۹۶۴)	۰/۶۰۷
شفافیت سیاسی	(۰/۶۹۰، ۰/۹۴۰، ۰/۹۸۸)	۰/۶۵۴
ارتباطات کارآمد	(۰/۶۴۲، ۰/۸۹۲، ۰/۹۵۲)	۰/۶۰۷
پاسخ‌گویی سیاسی	(۰/۶۶۶، ۰/۹۱۶، ۰/۹۷۶)	۰/۶۳۰
خودتعیین‌گری شهروندان	(۰/۶۴۲، ۰/۸۹۲، ۰/۹۵۲)	۰/۶۰۷
احساس اثربخشی سیاسی	(۰/۶۳۰، ۰/۸۸۰، ۰/۹۵۲)	۰/۵۹۵
جامعه‌پذیری دموکراتیک	(۰/۶۳۰، ۰/۸۸۰، ۰/۹۶۴)	۰/۵۹۵

با پایان نظرسنجی در مرحله اول لازم است که مرحله دوم نیز انجام شود، تا نتایج به‌دست‌آمده از هر دو مرحله با هم مقایسه و نتیجه مشخص شود.

۳-۲-۳. نظرسنجی مرحله دوم

در جدول ۱۰، نتایج نظرسنجی مرحله دوم پاسخ‌های داده‌شده به پرسش‌نامه پژوهش نشان داده شده است. پس از مرحله اول نظرسنجی برای اولویت‌بندی عوامل، مرحله دوم نظرسنجی اجرا می‌شود تا پایایی پرسش‌نامه از طریق محاسبه اختلاف میانگین فازی‌زدایی مرحله اول و دوم تایید شود.

جدول ۱۰. پیشران‌های سرمایه سیاسی

متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
فرهنگ تعامل‌جو	۱۹	۱	۱	۰	۰
نگرش شهروندان به دولت	۱۷	۳	۰	۱	۰
کاهش نابرابری قدرت	۱۸	۲	۱	۰	۰
افزایش استقلال اجتماعی	۱۹	۱	۱	۰	۰
ائتلافات سیاسی	۱۷	۲	۲	۰	۰
شفافیت سیاسی	۱۸	۲	۱	۰	۰
ارتباطات اثربخش	۱۷	۳	۱	۰	۰
پاسخ‌گویی سیاسی	۱۸	۲	۱	۰	۰
خودتعیین‌گری شهروندان	۱۶	۳	۲	۰	۰
احساس اثربخشی سیاسی	۱۵	۲	۳	۱	۰
جامعه‌پذیری دموکراتیک	۱۶	۲	۲	۱	۰

بعد از آنکه تعداد پاسخ‌های داده‌شده به عوامل در مرحله دوم مشخص شد و بعد از محاسبه‌کردن میانگین فازی مثلی برای عوامل، از فرمول مینکوسکی و اعداد فازی مثلی برای هر مولفه اقدام شد که نتایج به‌دست‌آمده در مرحله دوم در جدول ۱۱ نشان داده شده است.

جدول ۱۱. میانگین دیدگاه‌های خبرگان در مرحله دوم

متغیرها	میانگین فازی مثلی (m.a.B)	فازی‌زدایی شده
فرهنگ تعامل‌جو	(۰/۷۱۴، ۰/۹۶۴، ۰/۹۸۸)	۰/۶۷۸
نگرش شهروندان به دولت	(۰/۶۷۸، ۰/۹۲۸، ۰/۹۷۶)	۰/۶۴۲
کاهش نابرابری قدرت	(۰/۷۰۲، ۰/۹۵۲، ۰/۹۸۸)	۰/۶۶۶
افزایش استقلال اجتماعی	(۰/۷۱۴، ۰/۹۶۴، ۰/۹۸۸)	۰/۶۷۸
ائتلافات سیاسی	(۰/۶۷۸، ۰/۹۲۸، ۰/۹۷۶)	۰/۶۴۲
شفافیت سیاسی	(۰/۷۰۲، ۰/۹۵۲، ۰/۹۸۸)	۰/۶۶۶
ارتباطات اثربخش	(۰/۶۹۰، ۰/۹۴۰، ۰/۹۸۸)	۰/۶۵۴
پاسخ‌گویی سیاسی	(۰/۷۰۲، ۰/۹۵۲، ۰/۹۸۸)	۰/۶۶۶
خودتعیین‌گری شهروندان	(۰/۶۶۶، ۰/۹۱۶، ۰/۹۷۶)	۰/۶۳۰
احساس اثربخشی سیاسی	(۰/۶۱۹، ۰/۸۶۹، ۰/۹۴۰)	۰/۵۸۳
جامعه‌پذیری دموکراتیک	(۰/۶۴۲، ۰/۸۹۲، ۰/۹۵۲)	۰/۶۰۷

۳-۲-۴. اختلاف میانگین فازی‌زدایی‌شده در دو مرحله

با انجام نظرسنجی در هر دو مرحله؛ لازم است که اختلاف میان میانگین فازی-زدایی‌شده (مقدار کریسپ) پیشران‌های سرمایه سیاسی مورد تحلیل قرار گیرد. در جدول ۱۲ بررسی اختلاف میانگین فازی‌زدایی‌شده پیشران‌های سرمایه سیاسی در مرحله اول و دوم نشان داده شده است.

جدول ۱۲. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی مرحله اول و دوم

متغیرها	مقدار فازی زدایی شده مرحله اول	مقدار فازی زدایی شده مرحله دوم	اختلاف مقدار فازی زدایی شده مرحله اول و دوم
فرهنگ تعامل جو	۰/۶۶۶	۰/۶۷۸	۰/۰۱
نگرش شهروندان به دولت	۰/۶۳۰	۰/۶۴۲	۰/۰۱
کاهش نابرابری قدرت	۰/۶۵۴	۰/۶۶۶	۰/۰۱
افزایش استقلال اجتماعی	۰/۶۴۲	۰/۶۷۸	۰/۰۳
اتلافات سیاسی	۰/۶۰۷	۰/۶۴۲	۰/۰۳
شفافیت سیاسی	۰/۶۵۴	۰/۶۶۶	۰/۰۱
ارتباطات اثربخش	۰/۶۰۷	۰/۶۵۴	۰/۰۴
پاسخ‌گویی سیاسی	۰/۶۳۰	۰/۶۶۶	۰/۰۳
خودتعیین‌گری شهروندان	۰/۶۰۷	۰/۶۳۰	۰/۰۲
احساس اثربخشی سیاسی	۰/۵۹۵	۰/۵۸۳	۰/۰۱
جامعه‌پذیری دموکراتیک	۰/۵۹۵	۰/۶۰۷	۰/۰۱

باتوجه به میانگین نتایج دیدگاه‌های ارائه‌شده در مرحله اول و دوم، شایان ذکر است در صورتی که اختلاف میانگین فازی زدایی‌شده در دو مرحله از ۰/۱ کمتر باشد، فرآیند نظرسنجی متوقف می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود اختلاف میانگین فازی زدایی‌شده بر طبق نظرات خبرگان در دو مرحله کمتر از ۰/۱ است، بنابراین خبرگان در مورد پیشران‌های سرمایه سیاسی به اتفاق نظر رسیده‌اند و در این مرحله نظرسنجی متوقف می‌شود. درحقیقت خبرگان در مورد پیشران‌های سرمایه سیاسی نگاه یکسانی داشته‌اند. باتوجه به مطالب پیش‌گفته، اولویت تمامی عوامل در قالب نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. اولویت‌بندی پیشران‌های سرمایه سیاسی

بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه سیاسی به مفهوم سرمایه‌گذاری شهروندان در امور دولتی و سیاسی است که با نگرش مثبت شهروندان به دولت، سرمایه و قدرت سیاسی سیاستمداران و صاحب‌منصبان دولتی افزایش می‌یابد. سرمایه سیاسی به مفهوم پیوستگی و انسجام مابین نهادهای سیاسی و شهروندان است. دولت و صاحب‌منصبان سیاسی از طریق اعطای استقلال و آزادی‌های اجتماعی به شهروندان، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی شهروندان از طریق رسانه‌ها و شفاف‌سازی‌های سیاسی می‌توانند قدرت و سرمایه سیاسی خود و سایر نهادهای سیاسی را ارتقا بخشند. داشتن ارتباطات کارآمد و پاسخ‌گویی نسبت به مسائل سیاسی سبب افزایش دید شهروندان نسبت به قائم‌مقامان سیاسی می‌شود. اعتماد سیاسی یکی از مولفه‌های مهم و موثر سرمایه سیاسی است که در صورت افزایش قدرت سیاسی صاحب‌منصبان، اعتماد سیاسی نیز افزایش خواهد داشت. اعتماد سیاسی نقش حائزاهمیتی در امنیت ملی دارد و جزو الزامات بنیادی نظام سیاسی و تداوم حیات سیاسی و برای افزایش مشروعیت سیاسی و توسعه سیاسی - اجتماعی ضروری است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین پیشران‌های سرمایه سیاسی با استفاده از روش دلفی‌فازی انجام پذیرفت. بنابراین براساس نتایج پیشایندها یا عوامل اثرگذار بر سرمایه سیاسی، فرهنگ تعامل‌جو حاکم بر جامعه، کاهش نابرابری قدرت، افزایش استقلال اجتماعی شهروندان، تشکیل ائتلافات جهت عضویت اعضا، افزایش شفافیت سیاسی، برقراری ارتباطات اثربخش، افزایش میزان پاسخ‌گویی سیاسی، جامعه‌پذیری دموکراتیک، احساس اثربخشی و کارآمدی سیاسی، خودتعیین‌گری شهروندان و افزایش نگرش مثبت شهروندان نسبت به دولت و متصدیان دولتی است. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فرهنگ تعامل‌جو، کاهش نابرابری قدرت، افزایش استقلال اجتماعی و سیاسی شهروندان، افزایش شفافیت سیاسی و افزایش پاسخ‌گویی سیاسی از جمله مهم‌ترین پیشایندها یا عوامل به‌وجودآورنده سرمایه سیاسی سیاستمداران و صاحب‌منصبان دولتی هستند. جوامع دموکراتیک به دلیل مردمی‌بودن و مشارکت شهروندان در امور سیاسی و دولتی

نیازمند اعتماد سیاسی شهروندان به دولت و قائم‌مقامان دولتی است. هر جامعه‌ای دارای فرهنگ خاصی است که حاکم بر جامعه بوده و در تعیین چگونگی و میزان مشارکت شهروندان در امور سیاسی موثر است. درحقیقت داشتن جو سیاسی مشارکت‌جویانه و خواهان اشتراک‌گذاری بالای اطلاعات سیاسی و حاکمیتی زمینه افزایش همکاری و داشتن دید مثبت شهروندان نسبت به دولت را فراهم می‌سازد. اعطای آزادی عمل و استقلال به شهروندان و کاهش نابرابری قدرت منجر به مشارکت بیشتر شهروندان شده و شهروندان می‌توانند آزادانه در مسائل سیاسی و دولتی مشارکت داشته و دیدگاه و نظرات خود را بیان کنند. رسانه‌ها در آگاه‌سازی شهروندان نقش بسزایی داشته و از طریق بیان شفاف امور و پیگیرانه منجر به آشکارسازی حقایق شده و آگاهی سیاسی شهروندان را ارتقا می‌بخشند. همچنین خود شهروندان نیز باید خودمحور بوده و دارای احساس خودکارآمدی و صلاحیت سیاسی باشند. درخصوص وجوه اشتراک و افتراق پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌های صورت گرفته باید عنوان کرد که پژوهش حاضر با پژوهش‌های اوکاسیو (۲۰۱۹) و گراتون و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت و همخوانی دارد. بدین شکل که در پژوهش آنها عواملی مانند اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی و افزایش دید مثبت شهروندان نسبت به امور سیاسی و دولتی ازجمله عوامل اثرگذار بر سرمایه سیاسی تلقی می‌شوند و تاثیر بسزایی در ارتقای سرمایه سیاسی صاحب‌منصبان دولتی دارند. همچنین با یافته‌های فرنچ و همکاران (۲۰۱۱) نیز همخوانی دارد. این پژوهشگران نیز در مطالعات خود اذعان داشتند که رسانه‌ها با شفاف‌سازی و افزایش آگاهی شهروندان ازجمله مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز سرمایه و قدرت سیاسی هستند همچنین بنیت‌گبافو و همکاران (۲۰۱۴) نیز مانند پژوهش حاضر عضویت در ائتلافات سیاسی را عاملی مهم در افزایش سرمایه سیاسی معرفی کرده‌اند.

پیشنهادات پژوهش

- اولین راهبردی که می‌توان براساس یافته‌های پژوهش ارائه کرد، حاکم شدن جو همکاری‌گرایانه در جامعه است، اعتقاد به تعاملات اجتماعی تقویت شود، تعاون و

- همکاری و ارزش‌های مبتنی بر مشارکت سرلوحه امور شود؛
- شهروندان باید آزادی‌بیان داشته باشند که بتوانند بدون نگرانی با اندیشه‌ای باز در امور سیاسی کشور فعالیت کنند که این اهم از طریق واگذاری آزادی و تفویض اختیار در برخی از امور به شهروندان تحقق می‌یابد؛
 - باید بین مدیران و صاحب‌منصبان ارتباطات اثربخشی برقرار شود و صاحب‌منصبان از مشکلات و امور شهروندان آگاهی کامل داشته باشند تا بتوانند آنها را حل و فصل کنند؛
 - مسئولان و صاحب‌منصبان باید به‌طور شفاف اطلاع‌رسانی کنند و رویه‌ها و مسیرهای موجود را به وضوح بیان کنند تا هیچ‌گونه ابهامی وجود نداشته باشد و نظام تصمیم‌گیری سیاسی شفافیت لازم را داشته باشد؛
 - رسانه‌ها و مطبوعات باید آزادی بیان داشته باشند تا بتوانند شفاف‌سازی کنند و میزان آگاهی افراد از امور سیاسی و عمومی ارتقا یابد، در این راستا میزان آگاه‌سازی و شفاف‌سازی و قانون‌گرایی افزایش می‌یابد؛
 - عضویت در گروه‌ها و شبکه‌های سیاسی منجر به همگرایی و اعتماد بیشتر شهروندان می‌شود، که با برگزاری دوره‌های آموزشی سعی کنند آگاهی مردم را افزایش دهند و آنها را به مشارکت در امور سیاسی ترغیب کنند؛
 - عملکرد دولت و دولتمردان باید اثربخشی لازم را داشته باشد و با به‌کارگیری متخصصان و خبرگانی که نسبت به تعهدات خود مسئول باشند در پست‌های حساس دولتی این امر را تسهیل کرد، مسئولیت‌پذیر بودن صاحب‌منصبان منجر به اعتمادآفرینی می‌شود؛
 - نهایتاً به سیاستمداران و صاحب‌منصبان دولتی پیشنهاد می‌شود با توجه به علل و پیشران‌های سرمایه سیاسی، سعی کنند پیشایندهای شناسایی شده را بر طبق اولویت و اهمیت تحقق بخشند و زمینه افزایش شفافیت و آگاهی و مشارکت شهروندان را فراهم سازند تا ضمن تحقق سرمایه سیاسی، اعتماد سیاسی شهروندان به دولت و امور سیاسی نیز ارتقا یابد.

منابع و مآخذ

- سبکتگین ریزی، ق.، روهنده، م.، بساطین، س.، & جعفری، ا. (۱۳۹۵). رضایتمندی و مشارکت سیاسی - اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرج). *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و هفتم. شماره ۶۳. صص ۹۷-۱۱۶.
- طلاری، م.، & موسوی شفائی، م. (۱۳۹۴). جامعه‌پذیری سیاسی: بستری برای بازاریابی سیاسی رابطه‌مند. *فصلنامه علمی راهبرد*، سال بیست و پنجم، شماره ۷۹، صص ۱۲۵-۱۹۹.
- عبادی، ن.، پیران نژاد، ع.، & قلی‌پور، آ. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل موثر بر سرمایه سیاسی. *مدیریت و توسعه*، دوره ۲۷. شماره ۲. صص ۲۹-۵۱.
- محمدی‌فر، ن.، & کاظمی، ا. (۱۳۹۹). نقش سواد رسانه‌ای سیاسی و رسانه‌های ارتباط جمعی در کارایی سیاسی و ارائه راهکارهای عملیاتی (مورد مطالعه دانشگاه شهید چمران). *فصلنامه علمی راهبرد*، سال ۲۹، ۳۵-۶۵.
- نظری، س.، بشیری گیوی، ح.، & جنتی، س. (۱۳۹۲). بررسی تاثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی (مورد مطالعه: جوانان شهر خلخال). *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ششم. شماره اول. صص ۱۳۷-۱۴۶.
- Alcantara-sacz, M. (2017). Political career and political capital. *Convergencia Revista de Ciencias Sociales*, 73. 1-1.
- Banfield, E. C. (1961). *Political influence*. Transaction Publishers.
- Benit-Gbaffou, c., & Katsaura, o. (2014). Community leadership and the construction of political legitimacy: Unpacking Bourdieu's 'Political capital' in post-apartheid Johannesburg. *International Journal of Urban and Regional Research*, 38(5), 1807-1832.
- Bertrand, m., Bombardini, m., Fisman, r., & Trebbi, f. (2020). Tax-exempt lobbying: Corporate philanthropy as a tool for political influence.
- Bertrand, M. B. (2020). Tax-exempt lobbying: Corporate philanthropy as a tool for political influence.
- Birner, r., & Wittmer, h. (2000). Converting Social Capital into Political Capital:

How Do Local Communities Gain Political Influence? *Conference paper submitted to International Association for the Study of Common.*

- Blumentritt, t., & Rehbein, k. (2007). The political capital of foreign subsidiaries. *Business & Society*, 47(2), 242-263.
- Booth, j., & Richard, p. (2012). Untangling social and political capital in Latin American democracies. *Latin American Politics and Society*, 54(03). 33-64.
- Boulianne, s. (2018). Twenty years of digital media effects on civic and political participation. *communication research*, 947-966.
- Bourdieu, P. (1981). La representation politique [elements pour une théorie du champ politique]. *Actes de la recherche en sciences sociales*, 36(1), 3-24.
- Casey, k. l. (2008). Defining Political Capital: A Reconsideration of Bourdieu's Interconvertibility Theory. phd thesis. University of Missouri-St. Louis.
- French, r. (2011). political capital. *Representation*, 47:2, 215-230.
- Geetha, g., & Indira, r. (2010). Women, income generation, and political capital in the silk industry in Karnataka. *Gender, Technology and Development*, 14(3), 423-440.
- Goren, p. (2012). political values and political awareness. *critical review*, 24(4). 505-525.
- Gratton, g., holden, r., & lee, b. (2019). Political capital. *The international journal of human resource management*, 25(8). 23-54.
- Harvey, m., & Novicevic, m. (2004). The development of political skill and political capital by global leaders through global assignments. *The International Journal of Human Resource Management*, 15(7), 1173-1188.
- Keele, L. (2007). Social capital and the dynamics of trust in government. *American Journal of Political Science*, 51(2), 241-254.
- Kim, s. (2018). political participation. *oxford scholarship online* .
- Kitschelt, h., & rehm, p. (2017). Political participation. *politics trove*.
- Kjaer, U. (2013). Local political leadership: The art of circulating political capital. *Local Government Studies*, 39(2), 253-272.
- Lopez, E. (2002). The legislator as political entrepreneur: Investment in political capital. *The Review of Austrian Economics*, 15(2). 211-228.
- Magno, C. (2000). Gender & democracy: exploring the growth of political capital in women's NGO in Israel [Unpublished doctoral dissertation]. . university of Columbia.
- Ocasio, w., pozner, j., & milner, d. (2020). Varieties of political capital and

- power in organizations: A review and integrative framework. *Academy of Management Annals*, 14(1), 303-338.
- Pantoja, A. D. (2001). The dynamics of political knowledge [Unpublished doctoral dissertation]. Rice university.
- Peng, b., tu, y., & wei, g. (2018). Governance of electronic waste recycling based on social capital embeddedness theory. *Journal of Cleaner Production*, 187, 29-36.
- Saldana, J. (2015). The coding manual for qualitative researchers. *SAGE*.
- Sandovic, M. E. (2005). Social capital & political action [Unpublished doctoral dissertation]. Binghamton University.
- Schugurensky, D. (2000). Citizenship learning and democratic engagement: Political capital revisited. *Conference Proceedings. 41st Annual Adult Education Research Conference*, pp. 417-422. Vancouver, Canada.
- Shaffer, b., & hillman, a. (2000). The development of business-government strategies by diversified firms. *Strategic Management Journal*, 21(2), 175-190.
- Siegel, j. (2007). Contingent political capital and international alliances: Evidence from South Korea. *Administrative Science Quarterly*, 52(4). 621-666.
- Smrek, M. (2020). When is access to political capital gendered? Lessons from the Czech Parliament. *Parliamentary Affairs*.
- Son, b., Kocabasoglu-hillmer, c., & Rroden, s. (2016). A dyadic perspective on retailer-supplier relationships through the lens of social capital. *International Journal of Production Economics*, 178, 120-131.
- Sorensen, e., & Torfing, j. (2003). Network politics, political capital, and democracy. *International Journal of Public Administration*, 26(6), 609-634.
- Sun, p., Hu, h. w., & Hillman, a. j. (2016). The dark side of board political capital: Enabling Blockholder rent appropriation. *Academy of Management Journal*, 59(5), 1801-1822.
- Tedeschi, J. T. (2017). Social power and political influence.
- Urbinati, N. (2008). Representative democracy: Principles and genealogy. University of Chicago Press.
- Wessels, B. (2018). networks of social media and civic engagement and participation. *communicative civic-ness*, 132-147.
- Xu, Y. (2013). Moral resources, political capital and the development of social work in China: A case study of city J in Shandong province. *British Journal of Social Work*, 43(8), 1589-1610.

Reference

- Alcantara-sacz, M. (2017). Political career and political capital. *Convergencia Revista de Ciencias Sociales*, 73. 1-1.
- Banfield, E. C. (1961). *Political influence*. Transaction Publishers.
- Benit-Gbaffou, c., & katsaura, o. (2014). Community leadership and the construction of political legitimacy: Unpacking Bourdieu's 'Political capital' in post-apartheid Johannesburg. *International Journal of Urban and Regional Research*, 38(5), 1807-1832.
- Bertrand , m., Bombardini, m., Fisman, r., & trebbi, f. (2020). Tax-exempt lobbying: Corporate philanthropy as a tool for political influence.
- Bertrand, M. B. (2020). Tax-exempt lobbying: Corporate philanthropy as a tool for political influence.
- Birner, r., & Wittmer, h. (2000). Converting Social Capital into Political Capital: How Do Local Communities Gain Political Influence? *Conference paper submitted to International Association for the Study of Common*.
- Blumentritt, t., & Rehbein, k. (2007). The political capital of foreign subsidiaries. *Business & Society*, 47(2), 242-263.
- Booth, j., & Richard, p. (2012). Untangling social and political capital in Latin American democracies. *Latin American Politics and Society*, 54(03). 33-64.
- Boulianne, s. (2018). Twenty years of digital media effects on civic and political participation. *communication research*, 947-966.
- Bourdieu, P. (1981). La representation politique [elements pour une théorie du champ politique]. *Actes de la recherche en sciences sociales*, 36(1), 3-24.
- Casey, k. l. (2008). Defining Political Capital: A Reconsideration of Bourdieu's Interconvertibility Theory. phd thesis. University of Missouri-St. Louis.
- Ebadi, N., Pirannejad, A., & Gholipour, A. (2014). Identifying the factors affecting political capital. *Management and Development*, Volume 27. Number 2. pp. 29-51. (in persian)
- French, r. (2011). political capital. *Representation*, 47:2, 215-230.
- Geetha, g., & Indira, r. (2010). Women, income generation, and political capital in the silk industry in Karnataka. *Gender, Technology and Development*, 14(3), 423-440.

- Goren, p. (2012). political values and political awareness. *critical review*, 24(4). 505-525.
- Gratton, g., holden, r., & lee, b. (2019). Political capital. *The international journal of human resource management*, 25(8). 23-54.
- Harvey, m., & Novicevic, m. (2004). The development of political skill and political capital by global leaders through global assignments. *The International Journal of Human Resource Management*, 15(7), 1173-1188.
- Keele, L. (2007). Social capital and the dynamics of trust in government. *American Journal of Political Science*, 51(2), 241-254.
- Kim, s. (2018). political participation. *oxford scholarship online* .
- Kitschelt, h., & rehm, p. (2017). Political participation. *politics trove*.
- Kjaer, U. (2013). Local political leadership: The art of circulating political capital. *Local Government Studies*, 39(2), 253-272.
- Lopez, E. (2002). The legislator as political entrepreneur: Investment in political capital. *The Review of Austrian Economics*, 15(2). 211-228.
- Magno, C. (2000). Gender & democracy: exploring the growth of political capital in women's NGO in Israel [Unpublished doctoral dissertation]. . university of Columbia.
- Mohammadifar, N., & Kazemi, A. (2020). The role of political media literacy and mass media in political efficiency and providing operational solutions (case study of Shahid Chamran University). *The Scientific Journal of Strategy*, Year 29, 35-65. (in persian).
- Nazari, S., Bashiri Givi, H., & Jannati, S. (2013). Investigating the Impact of Political Participation on Political Development (Case Study: Khalkhal Youth). *Iranian Journal of Social Development Studies*, Year 6. the first number. Pp. 137-146. (in persian).
- Ocasio, w., Pozner, j., & Milner, d. (2020). Varieties of political capital and power in organizations: A review and integrative framework. *Academy of Management Annals*, 14(1), 303-338.
- Pantoja, A. D. (2001). The dynamics of political knowledge [Unpublished doctoral dissertation]. Rice university.
- Peng, b., Tu, y., & Wei, g. (2018). Governance of electronic waste recycling based on social capital embeddedness theory. *Journal of Cleaner Production*, 187, 29-36.
- Sabkatginrizi, Q., Rohandeh, M., Basatin, S., & Jafari, A. (2016). Satisfaction

- and socio-political participation (Case study: Citizens of Karaj). *Applied Sociology*, Twenty-seventh Year. No. 63. pp. 97-116. (in persian).
- Saldana, J. (2015). *The coding manual for qualitative researchers*. SAGE.
- Sandovic, M. E. (2005). *Social capital & political action* [Unpublished doctoral dissertation]. Binghamton University.
- Schugurensky, D. (2000). Citizenship learning and democratic engagement: Political capital revisited. *Conference Proceedings. 41st Annual Adult Education Research Conference*, pp. 417-422. Vancouver, Canada.
- Shaffer, b., & Hillman, a. (2000). The development of business-government strategies by diversified firms. *Strategic Management Journal*, 21(2), 175-190.
- Siegel, j. (2007). Contingent political capital and international alliances: Evidence from South Korea. *Administrative Science Quarterly*, 52(4). 621-666.
- Smrek, M. (2020). When is access to political capital gendered? Lessons from the Czech Parliament. *Parliamentary Affairs*.
- Son, b., Kocabasoglu-hillmer, c., & Roden, s. (2016). A dyadic perspective on retailer-supplier relationships through the lens of social capital. *International Journal of Production Economics*, 178, 120-131.
- Sorensen, e., & Torfing, j. (2003). Network politics, political capital, and democracy. *International Journal of Public Administration*, 26(6), 609-634.
- sun, p., hu, h. w., & hillman, a. j. (2016). The dark side of board political capital: Enabling Blockholder rent appropriation. *Academy of Management Journal*, 59(5), 1801-1822.
- Talari, M., & Mousavi Shafaei, M. (2015). Political socialization: a platform for relational political marketing. *The Scientific Journal of Strategy*, Twenty-fifth year, No. 79, pp. 125-199. (in persian).
- Tedeschi, J. T. (2017). *Social power and political influence*.
- Urbinati, N. (2008). *Representative democracy: Principles and genealogy*. University of Chicago Press.
- Wessels, B. (2018). networks of social media and civic engagement and participation. *communicative civic-ness*, 132-147.
- Xu, Y. (2013). Moral resources, political capital and the development of social work in China: A case study of city J in Shandong province. *British Journal of Social Work*, 43(8), 1589-1610.